

واکاوی «چستی» و «چگونگی» توسعه روستایی مبتنی بر راهبرد ایجاد صندوق‌های خرد ریسک‌پذیر



حامد سجادی

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگ و ارتباطات

مقدمه

مالکان و حفظ یکپارچگی اراضی)، شیوه کشت و صنعت (با تکیه بر تکنولوژی و باهدف افزایش بهره‌وری)، شیوه‌های سرمایه‌داری ارضی و تعاونی‌های تولید، تاکنون مورد استفاده قرار گرفته که هر یک با معایب و محاسنی روبرو بوده است. بر این اساس می‌توان طرح توسعه صندوق‌های خرد ریسک‌پذیر را راهبردی در ادامه مسیر توسعه روستایی تلقی نمود که درصدد رفع نواقص پیشین و تسهیل فرایند پیشرفت اقتصادی-اجتماعی در این مناطق است.

توسعه صندوق‌های خرد ریسک‌پذیر در جایگاه یکی از راهبردهای اصلی کارگروه توسعه روستایی و عشایری در استراتژی کلان اقتصاد مقاومتی مطرح گردیده است که در ادامه ابتدا به بیان اهداف کلان و استراتژی‌های مطرح‌شده ذیل این سیاست؛ و پس‌از آن به بیان برخی از نکات تحلیلی در رابطه با آن پرداخته خواهد شد.

تقویت توسعه و پیشرفت همه‌جانبه و سیاست‌گذاری در این زمینه با تکیه بر توجه به ظرفیت‌های بالقوه موجود اجتماعی، همواره به‌عنوان یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی مطرح بوده است که در این میان روستاها یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی بشمار می‌روند، بخصوص آن‌که این فرایند توسعه به‌عنوان بخشی از راهبرد کلان اجتماعی-اقتصادی در قبال مسائلی نظیر مهاجرت از روستاها به شهرها، حاشیه‌نشینی، کاهش نیروی تولید و غیره نیز مطرح می‌گردد.

بر این مینا سابقه اجرای طرح‌های توسعه محور روستایی، در ایران به چندین دهه پیش بازمی‌گردد که مهم‌ترین آن در دهه ۴۰ شمسی و در قالب طرح اصلاحات ارضی و تلاش برای حذف ساختار ارباب-رعیتی رقم خورد. پس از اجرای این طرح، شیوه‌های بهره‌برداری دیگری نظیر بهره‌برداری مستقل خانوادگی، شرکت‌های سهامی زراعی (باهدف پر کردن خلأ



سیاست اجرایی توسعه صندوق‌های خرد روستایی

مهم‌ترین اهداف ذکر شده برای طرح مذکور در اسناد بالادستی عبارت‌اند از:

- بسیج جامعه روستایی و سازمان‌دهی اهالی به منظور مشارکت در آبادانی روستا
- تقویت روحیه همکاری و افزایش انگیزه و امید در روستاییان
- استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های هر منطقه در جهت نیل به توسعه پایدار

- آموزش مشاغل روستایی به منظور افزایش بهره‌وری در تولید
 - تشکیل گروه‌های هم‌صنف به منظور هم‌افزایی
 - ایجاد زنجیره تولید، بازاریابی و فروش
- با این رویکرد اصلی، متولیان امر برنامه‌ریزی‌های لازم را برای راه‌اندازی ۵۷۱ صندوق خرد محلی در قالب ۸ زون اقتصادی، ۲۳ شهرستان، ۵۸ بخش، ۱۵ دهستان صورت داده‌اند که طی یک سال راه‌اندازی و به مدت ۲ سال توسط تسهیلمان آموزش دیده، راهبری و حمایت شوند. این راهبران که شامل ۳۵ گروه تسهیلمان می‌باشند با همکاری دهیاری و بخشداری، مسئولیت راه‌اندازی هر یک از صندوق‌های خرد را بر عهده دارند و به‌طور متوسط هر تسهیلمان ۱۶ صندوق را حمایت می‌کند (جدول شماره ۱).

پس از راه‌اندازی این صندوق‌ها در فاز اول، طبق استراتژی تعیین‌شده در فاز دوم اقدام به تأسیس بیش از ۷۰۰ شرکت تعاونی در بخش‌ها و دهستان‌ها به منظور حمایت از محصولات تولیدی و تکمیل چرخه تولید، توزیع و بازاریابی محصولات می‌گردد. در نهایت در فاز سوم این طرح نیز پس از عملیاتی شدن ۵۷۱ صندوق و عملکرد آن‌ها، الگوی تعمیمی از بعد ترویجی و تبلیغی فراهم خواهد شد تا بتوان از این مسیر الگوی مذکور در تمامی جامعه روستانی - که شامل ۲۴۸۶ روستا می‌باشد - فراگیر کرد. نکته دیگر قابل‌ذکر آن است که در حال حاضر و طبق گزارش نهادهای مربوطه حدود ۱۰۰ صندوق در شهرستان‌های ریگان، قلعه گنج، کرمان (بخش شهداد)، رودبار جنوب، توسط برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد، بنیاد مستضعفان و منابع طبیعی فعال هستند که این تعداد بدون احتساب ۵۷۱ صندوق برنامه‌ریزی شده می‌باشد.

ماهیت راهبردهای قابل به‌کارگیری در توسعه صندوق‌های خرد

از آنجاکه این راهبرد سیاستی در مرحله اجرا می‌باشد بنابراین نمی‌توان به‌طور دقیق به ارزیابی اجرایی آن توجه نمود، در نتیجه

نقطه‌نظر توجه این نوشتار بر ابعاد اعلامی سیاست و نه اعمالی آن است. در زمینه استراتژی‌های توسعه روستا معمولاً از سه نوع راهبرد یاد می‌شود که عبارت‌اند از:

استراتژی رادیکال؛ که هدف آن تغییر بنیادین و اساسی در بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه روستایی است و عمدتاً رویکردی سوسیالیستی و دولت‌محور را به همراه دارد. از مهم‌ترین اجراکنندگان آن می‌توان به چین، الجزایر، کوبا و ویتنام اشاره کرد.

استراتژی تکنوکرات؛ که با رویکرد افزایش تولید سامان می‌یابد و مخاطب اصلی آن نظام خصوصی، ثروتمندان و زمین‌داران هستند. برزیل، فیلیپین، اندونزی، بنگلادش و کره جنوبی از اجراکنندگان این استراتژی به شمار می‌روند.

استراتژی اصلاح‌طلب؛ که به تأکید بر توزیع مجدد درآمدها و افزایش تولیدات و نه تغییر بنیادین در آن شکل می‌گیرد و شکل اصلی راهبرد تولیدی مزارع خانوادگی و تعاونی و مخاطب اصلی اقشار متوسط جامعه روستایی و نوآوران می‌باشد. این رویکرد متنی بر ایدئولوژی ناسیونالیستی است و در کشورهایی نظیر مصر و مکزیک اجرایی شده است.

البته این نکته قابل‌ذکر است که تقسیم‌بندی مذکور به معنای لزوم درج یک عنوان مشخص بر استراتژی خاصی نظیر صندوق‌های خرد ریسک‌پذیر نیست و می‌توان با رویکرد عمل‌گرایانه در یک راهبرد، ایده‌های مختلف را گرد هم آورد چراکه این‌گونه تقسیم‌بندی‌ها اولاً پسینی بوده است و پس از ارزیابی سیاست‌های توسعه مورد استخراج قرار گرفته است، ثانیاً در دوره‌ای شکل گرفته است که جریان‌هایی نظیر اقتصاد اطلاعات و یا توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط به گستردگی عصر حاضر نبود؛ اما در مجموع می‌توان سیاست مذکور را بیشتر نزدیک به رویکرد اصلاح‌طلب دانست؛ زیرا مخاطب اصلی آن طبقه متوسط و خلاق هستند و همچنین با توجه به طراحی آن ذیل سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر درون‌گرایی و برون‌نگری شکل گرفته است.

موضوع قابل‌ذکر دیگر در این راستا که به‌عنوان یکی از نقاط قوت این راهبرد بشمار می‌رود تجمع نقاط قوت پیشین در مقام ساختاری است. به‌بیان دیگر در هر یک از فازهای سه‌گانه این طرح در پی رفع بخشی از نیازهای اجرایی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، اعم از تأمین مالی، تقویت فرایند توزیع و فروش و بازاریابی محصول است.

جدول شماره ۱: تعداد روستاهای هدف در شهرستان‌ها جهت راه‌اندازی صندوق‌های خرد ریسک‌پذیر روستایی

منطقه (زون)	نام شهرستان	تعداد دهستان	تعداد روستاهای بالای ۲۰ خانوار	تعداد روستاهای هدف
۱	رودبار جنوب	۴	۱۵۲	۱۶
	فاریاب	۴	۹۳	۱۶
	قلعه گنج	۵	۱۴۴	۰
	کهنوج	۵	۸۶	۲۰
	منوجان	۵	۹۶	۲۰
۲	جیرفت	۱۴	۳۶۴	۵۶
	عنبرآباد	۷	۱۰۶	۲۸
۳	بم	۴	۱۲۴	۱۶
	ریگان	۴	۱۲۳	۱۶
	فهرج	۴	۹۰	۱۶
	نرماشیر	۴	۷۳	۱۶
۴	ارزوئیه	۵	۹۲	۲۰
	بافت	۶	۱۱۵	۲۴
	رابر	۴	۷۰	۱۶
۵	راور	۳	۵۴	۱۲
	زرند	۱۱	۷۹	۳۵
	کوهبنان	۳	۱۴	۱۲
۶	انار	۲	۱۹	۸
	رفسنجان	۱۴	۱۴۵	۵۶
	شهربابک	۹	۸۴	۳۶
۷	بردسیر	۸	۷۳	۲۹
۸	سیرجان	۱۰	۱۳۸	۴۰
	کرمان	۱۶	۱۴۸	۶۳

نحوه اجرایی کردن راهبردهای توسعه صندوق‌های خرد روستایی از منظر جامعه‌شناختی

علاوه بر توجه به راهبرد ذکرشده در مقام «چیستی»، می‌توان چگونگی اجرای این راهبرد را نیز موردتوجه قرار داد و حتی آن را مهم‌ترین قلمداد کرد چراکه اجرای مناسب یک راهبرد متوسط در سطح اجتماع و پذیرش آن از سوی مردم به‌مراتب

نتیجه‌ای اثربخش‌تر از پیاده‌سازی ضعیف یک استراتژی قوی دارد. از سوی دیگر چگونگی اجرای راهبرد یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های سیاست‌گذاری در حوزه توسعه روستایی در استان‌هایی نظیر کرمان به شمار می‌رود زیرا از تنوع فرهنگی بالایی در گستره جغرافیایی وسیع برخوردار است. توجه به سرمایه اجتماعی و تعاملات ارتباطی مبتنی بر آن در بستر بافت



فرایند طراحی، اجرا و ارزیابی یک سیاست اقتصادی-اجتماعی است. درواقع طراحان خود را در مقام دانای کل قرار داده و به تفاوت بافت فرهنگی روستا با راهبرد کلان تماماً به چشم ناهمگونی اساسی نگریسته‌اند؛ بنابراین علاوه بر استخراج عناصری نظیر شناسنامه اقتصادی هر روستا، قبل و بعد از اجرای طرح، به‌منظور ارزیابی دقیق و به‌موقع، می‌بایست مردم به‌عنوان رکن اصلی این فعالیت در جریان طرح قرار گیرند و خود نیز در ارائه راهکارهایی در سطح خرد به‌منظور رفع مشکلات و تقویت این اهداف سهیم شوند. از سوی دیگر در سطح کلان نیز می‌بایست راهبردی یکپارچه در زمینه ظرفیت بالقوه اقتصادی هر منطقه به‌عنوان یکی از گزینه‌های انتخابی در اختیار مردم قرار گیرد که در صورت تمایل ایشان اجرایی شود.

نکته دیگر در رابطه با پیشنهاد ظرفیت‌های اقتصادی آن است که نباید این فضاها را تولید صرفاً متکی بر فرایند تولید و همچنین محدود جغرافیایی روستا باشد بلکه می‌توان با تعریف قطب‌های تولید مشخص، امکان فعالیت در عرصه‌های مختلف تولید، فرآوری و بسته‌بندی و ... را فراهم نمود که در این روند توجه به خلأ صنایع موجود و صندوق‌های فعال (۱۰۰ صندوق سازمان ملل و بنیاد مستضعفان و منابع طبیعی) می‌توان روند بهره‌برداری را تسریع و امکان موفقیت بیشتر این واحدها را تضمین کند.

درنهایت باید به این نکته نیز توجه نمود که حجم بالای ایجاد این صندوق‌ها در گستره استان اگرچه مبتنی بر اصل عدالت اجتماعی است اما در کنار این نقطه قوت، می‌تواند آسیب‌هایی نظیر تقدم کمیت بر کیفیت اجرا و کم توجهی به فرایند ارزیابی و عدم استخراج الگوی بهینه در مدت‌زمان اندک و ترویج الگوی متوسط و بعضاً ناکارآمدی در برخی از بافت‌های فرهنگی-اجتماعی را به همراه داشته باشد.

منابع

- [1] Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002) A decline of Social Capital? The German Case, Published in Putnam, and Robert D (2002) Democracy in flux: The Evaluation of Social Capital in Contemporary Society, New York: Oxford University Press.
- [۲] ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۷) بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی، در مجله علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی، تهران: دانشگاه تهران، صص ۷۷-۹۸.
- [۳] پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.

فرهنگی هر روستا از مهم‌ترین عناصر در موفقیت این‌گونه راهبردهای توسعه و پذیرش آن در میان مخاطبان خود است. مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان به سه محور گرایش و تمایل رفتاری به اعتماد (در سطح خویشاوندی، روستایی و ...)، هنجارهای تمایل به کارگروهی و مشارکت تفکیک نمود [۱]. بر این مبنا و با توجه به پژوهش متخصصان جامعه‌شناسی توسعه روستایی خصوصاً ازکیا، نه می‌توان جامعه روستایی ایران را سراسر فردگرای و ناتوان در انجام کار جمعی دانست و نه آن‌که ایران را تماماً افراد جمع‌گرایی و دارای روحیه مشارکتی در تمامی ابعاد حیات اجتماعی به شمار آورد. بلکه مطالعات میدانی گسترده در ایران بیانگر آن است که فردگرایی و خودگرایی فرهنگ روستایی را رد می‌کنند اما برای فعالیت جمع‌گرا به سطح خاصی از مشارکت در عرصه‌های مشخصی از نظام‌های اجتماعی هستند؛ به‌عنوان مثال تا سطح خانواده، قبیله و خویشاوند این تعامل جریان دارد اما به سهولت سطوح فراتر از مشارکت را مقبول نمی‌پندارد [۲].

بر این اساس می‌بایست در فرایند اجرایی این طرح علاوه بر تسهیلگران و اعضای دهیاری و شورای روستا به‌عنوان راهبران سیاست در سطح روستاها، از دو بازوی هدایت‌گر و ترغیب‌کننده (مشخصاً شخصیت‌های دینی و روحانیون و معلمان) و نیز اعتبار بخش (شامل گروه‌های مرجع اجتماعی و یا قومیتی، مانند ریش‌سفیدان و بزرگان طوایف) در جهت تقویت سه رکن سرمایه اجتماعی راهبرد مذکور بهره برد تا بتوان بر این مبنا از پذیرش و عملکرد صحیح این سیاست‌های اطمینان بیشتری بدست آورد. در فرایند اجرایی این طرح همچنین می‌توان از تجربه مثبت دهه‌ی ابتدایی انقلاب به‌منظور تقویت و ترویج سیاست‌های راهبردی طرح بهره برد. درواقع علاوه بر تمرکز بر نهادها و تکیه بر فعالیت‌های اداری و وظیفه محور، از ظرفیت‌های موجود در عرصه فعالیت‌های غیرانتفاعی و عام‌المنفعه نیز استفاده نمود که مهم‌ترین این موارد اردوهای جهادی دانشجویان، سمن‌های فعال در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی و خیریه‌ها هستند.

جمع‌بندی

در کنار توجه به چیستی و چگونگی اجرای این طرح برخی نکات را می‌توان به‌عنوان مسائل قابل‌ملاحظه و اثرگذار در فرایند اجرایی آن طرح نمود. شاید یکی از مهم‌ترین اشکالات استراتژی‌های توسعه در ایران عدم توجه نظرات بدنه اجتماعی روستائیان و بی‌توجهی به رویکردهای پژوهشی مردم‌نگارانه در